نگاه

تبعات سیاسی و اجتماعی رکود

محمود اولاد . کارشناس اقتصادی

الف- رکود اقتصادی، به شرایطی از اقتصاد اطلاق می‌شود که بنا بر دلایل مختلفی، بنگاه‌های اقتصادی، کمتر از ظرفیت خود به فعالیت ادامه می‌دهند. تقاضای کافی برای محصولات تولیدی وجود ندارد و فعالیت‌های جدید شکل نمی‌گیرند یا به کندی شکل می‌گیرند و فعالیت‌های موجود نیز به دلیل کاهش فروش و در نتیجه کاهش درآمد، اقدام به تعطیل کردن کرده و بخشی از نهاده‌های تولیدی خود را بی‌کار می‌کنند. بی‌کاری در جامعه گسترش پیدا می‌کند و لاجرم، تبعات اجتماعی دیگری در جامعه ایجاد می‌شود. بنابراین، فرنامه، رکود پدیده مثبتی نیست.

اما سوی دیگر قضیه، جالب است. رکود عاملی است برای ارتقای بهره‌وری و کارایی در جامعه. در شرایط رونق اقتصادی که تقاضا به حد کافی وجود دارد، بنگاه‌ها با حداکثر ظرفیت خود فعالیت می‌کنند ولی باز جهاگوی نیاز بازار نیستند و مدام قیمت‌ها بالا می‌رود، بنگاه‌های جدید شکل می‌گیرند و شرایط استخدامی به‌نفع نهاده‌های تولید است. بنگاه‌ها به دلیل افزایش قیمت‌ها، از حاشیه سود مناسبی برخوردار می‌شوند. این حاشیه سود، از سویی، تحریک بنگاه‌های جدید برای ورود به بازار است و از سوی دیگر، در فرایند سرعت تولد، دقت لحاظ نمی‌شود. بنجوباش در بنگاه‌های اقتصادی و هزینه‌های زائد، افزایش می‌یابد. هزینه‌هایی که قیمت تمام‌شده محصول را افزایش می‌دهد، اما به دلیل عامل «عادت» در خورنخورد نیست. بنابراین، کارایی بنگاه‌های اقتصادی کاهش می‌یابد.

البته لزوماً سطح کارایی همه بنگاه‌های اقتصادی یکسان نیست. برخی بنگاه‌ها، حتی در شرایط رونق، با مدیریت مناسب، اجازه کاهش کارایی بنگاه را نمی‌دهند. اما در مقابل، بنگاه‌هایی هستند که به‌پدربردن حداکثری از حاشیه سود مقطعی در بازار، از اهمیت بیشتری برایشان برخوردار است و برای این امر، هرگونه هزینه‌ای از جمله کاهش کارایی اقتصادی را به جان می‌خرند.

در شرایط رکود اقتصادی، بنگاه‌هایی که ناکارآمدی بیشتری دارند، با کاهش قیمت‌ها، کاهش تقاضای مؤثر در بازار و شرایط رقابتی با بنگاه‌های دیگر، زودتر از پا درمی‌آیند و به تعطیلی کشیده می‌شوند. دیگران در بهترین شرایط، ساختارهای خود را سریع اصلاح می‌کنند و کارایی را افزایش می‌دهند. بنابراین، رکود، به عنوان عامل خودتنظیمی اقتصاد، به تصفیه ناخالصی‌های خون جاری در رگ‌های اقتصاد کشور می‌پردازد. در پایان دوره رکود، تنها بنگاه‌هایی ماندند که با کارایی بالا و اصلاح ساختارها، توانسته‌اند شرایط را پشت سر بگذارند و در دوران رونق، توانایی بالای خود را نشان بگذارند.

ب- اختلاف، واژه‌ای آشنا اما تعریف‌نشده در جامعه ایرانی است. عموم مردم اختلاف را با دزدی مساوی می‌دانند؛ در نتیجه، بسیاری از اوقات، دستگاه‌های دولتی و عمومی و مسئولانی پاکدست، نادانسته در دام اختلاف می‌افتند. از نظر قانونی، اموال و دارایی‌های دولتی و عمومی، بودجه و منابع مالی نهادهای عمومی و دولتی، متعلق به تمام مردم کشور است و استفاده و بهره‌کشی از آن، حتی برای اهداف درست، قانونی نیست. به همین‌دلیل، حساب‌های دولتی نزد بانک‌ها، قابلیت تبدیل به حساب‌های سرمه‌دارای را ندارند و امکان اخذ سود برای آنها در دوره‌ای که هنوز در حساب دولت هستند و هزینه نشده‌اند، برای آنها در نظر گرفته نمی‌شود. حتی منابع نهادها و دستگاه‌های بنگاه‌های به عموم مردم نیست، بلکه به شرکت‌هایی از مردم تعلق دارد. از این قاعده مستثنا نیست. استفاده از بودجه طرح حاصی برای طرح دیگر، صرفا به هدف جابه‌جایی منابع، می‌تواند مصداق اختلاس باشد. مثلا برداشت از ردیف بودجه ساخت پل، به دلیل اینکه فعلا ایمن ردیف بودن پول دارد، ولی زمان پرداخت هزینه‌های آن نرسیده و در مقابل، برداخت ردیف بودجه ساخت جاده که فعلا اعتبار ندارد و الان باید پرداخت شود، بدون طی مراحل قانونی می‌تواند مصداق اختلاس باشد؛ امری که بسیار متداول است.

در سال‌های گذشته، نبود درک درست از این موضوع، باعث شد مسئولان بسیاری از نهادها، با هدف افزایش منابع مالی و جلوگیری از بلااستفاده‌ماندن منابع دستگاه (این سمت مثبت قضیه است. نگارنده صوفا می‌خواهد نشان دهد حتی با قصد و نیت خوب هم ممکن است اختلاس صورت گیرد و این کار غیرقانونی است و تبعات دارد وگرنه، منکر اینکه برخی عمدا و با اهداف نفع شخصی، دست به این عمل زده باشند ممکن است. اما در مقابل، تبعیض با دستگاه‌های قضائی است، تاثیا غیرمحتمل‌ست)، بخشی از بودجه خود را صرف مراسم‌بگذاری در پروژه‌های مسکونی، خرید سکه و طلا و ارز یا سهام کند. اما در شرایط رکود اقتصادی، بودوزنه آنهایی که سرمایه‌های دستگاه‌ها در ساختوساز سرمایه‌گذاری کرده بودند، با مشکل بازگشت منابع مالی مواجه شدند. طرح از این دستگاه‌ها، که با مشکلات روزمره تأمین نقدینگی مواجه شدند و در نتیجه در پرداخت‌های عادی خود نیز به مشکل برخوردند، با شکایت مردم مواجه شدند و در نتیجه، بسیاری از مسئولان، در دام اختلاس افتادند. در شرایط رونق، با مدیریت مناسب، اجازه کاهش کارایی بنگاه را نمی‌دهند. اما در مقابل، بنگاه‌هایی هستند که به‌پدربردن حداکثری از حاشیه سود مقطعی در بازار، از اهمیت بیشتری برایشان برخوردار است و برای این امر، هرگونه هزینه‌ای از جمله کاهش کارایی اقتصادی را به جان می‌خرند.

در شرایط رکود اقتصادی، بنگاه‌هایی که ناکارآمدی بیشتری دارند، با کاهش قیمت‌ها، کاهش تقاضای مؤثر در بازار و شرایط رقابتی با بنگاه‌های دیگر، زودتر از پا درمی‌آیند و به تعطیلی کشیده می‌شوند. دیگران در بهترین شرایط، ساختارهای خود را سریع اصلاح می‌کنند و کارایی را افزایش می‌دهند. بنابراین، رکود، به عنوان عامل خودتنظیمی اقتصاد، به تصفیه ناخالصی‌های خون جاری در رگ‌های اقتصاد کشور می‌پردازد. در پایان دوره رکود، تنها بنگاه‌هایی ماندند که با کارایی بالا و اصلاح ساختارها، توانسته‌اند شرایط را پشت سر بگذارند و در دوران رونق، توانایی بالای خود را نشان بگذارند.

پ- رکود اقتصادی، بنگاه‌هایی که ناکارآمدی بیشتری دارند، با کاهش قیمت‌ها، کاهش تقاضای مؤثر در بازار و شرایط رقابتی با بنگاه‌های دیگر، زودتر از پا درمی‌آیند و به تعطیلی کشیده می‌شوند. دیگران در بهترین شرایط، ساختارهای خود را سریع اصلاح می‌کنند و کارایی را افزایش می‌دهند. بنابراین، رکود، به عنوان عامل خودتنظیمی اقتصاد، به تصفیه ناخالصی‌های خون جاری در رگ‌های اقتصاد کشور می‌پردازد. در پایان دوره رکود، تنها بنگاه‌هایی ماندند که با کارایی بالا و اصلاح ساختارها، توانسته‌اند شرایط را پشت سر بگذارند و در دوران رونق، توانایی بالای خود را نشان بگذارند.

ت- در زمان رونق، درآمدهای دولت نیز افزایش می‌یابد. هم از محل افزایش مالیات‌ها و هم از محل فعالیت‌های وسیع اقتصادی که دولت ایران درگیر آن است به‌ویژه نفت و فرآورده‌های مرتبط با آن در چنین شرایطی، بی‌نظمی مطرح‌شده در بخش خصوصی، با شدت هرچه‌بیشتر در دوره اتفاق می‌افتد. استخدام‌های بی‌حساب‌وکتاب، ایجاد دستگاه‌ها و نهادها و شرکت‌های متعدد، هواری‌گیری‌های زیاد و... نمونه‌های زیادی برای این موضوع وجود دارد. اما وقتی رکود اتفاق می‌افتد، درآمدهای دولت نیز کاهش شدیدی پیدا می‌کند. یک دولت کارآمد، باید همانند بخش خصوصی، ناکارآمدی‌های خود را کاهش دهد. باید تعدیل نیرو و به کوچک‌کردن خود اقدام کند. در این صورت، از موهبت رکود، ایمن بخش از اقتصاد نیز بهره خواهد برد. اما متأسفانه، به دلایل سیاسی و نگرانی از کاهش محبوبیت، جهت‌گیری ما نادرست پیش می‌رود. کاهش مداوم بودجه عمرانی و تخصیص‌ندادن آن (امسال نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد کاهش در بودجه عمرانی)، افزایش نرخ‌های مالیاتی؛ بدترکردن فضای کسب‌وکار برای حذف شرکت‌های بخش خصوصی رقیب یا شرکت‌های دولتی و انحصاری‌کردن بسیاری از بنگاه‌ها خوب، گسترش استفاده از رانت‌های اطلاعاتی به‌نفع دستگاه‌های اجرائی زیموجه‌به ... را شاهد هستیم. تمام این امور، ناکارآمدی شدید در اقتصاد و تعمیق رکود را به همراه خواهد داشت.

احمد شیرزاد در گفت و گوبا «شرق»:

وزرا در زمینه اطلاع‌رسانی، مشورت‌پذیر نیستند

حسین سخندان

آبا وزیران دولت یازدهم و سایر اعضای کابینه و معاونان وزارتخانه‌ها از اینکه به‌طور صریح از عملکرد دولت دفاع کنند و پاسخ منتقدان را بدهند، رویگردان هستند؟ این سؤالی است که بارها در سه‌سال‌ونیم گذشته مطرح شده است. این روزها که صداوسیما به‌طور جدی‌تری، وزیران و دولت را هدف گرفته است. این مسئله بیشتر خود را نشان می‌دهد. احمد شیرزاد، رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ششم، از استادان شاخص دانشگاه و از کارشناسان نظام اقتصادی کشور است که در حوزه فیزیک، سال‌ها سرپرستی تیم‌های اعزامی کشور به مسابقات خارجی را بر عهده داشت. او عضو حزب مشارکت و از جمله فعالان سیاسی شناخته‌شده اصلاح‌طلب به شمار می‌رود. گفت‌وگوی «شرق» با او با این چهره دانشگاهی و سیاسی می‌خوانید.

■ یکی از انتقادات کلی که به کابینه یازدهم می‌شود، محافظه‌کاری بیش از حد وزیران است. یعنی به جز چند وزیر که به‌طور مداوم از دولت و عملکرد آن دفاع می‌کنند، بقیه ساکت هستند و شخص رئیس‌جمهور تاکنون از گفت‌وگو با مردم و بیان صریح مسائل در مقابل عملیات روانی مخالفان است. چرا این اتفاق رخ داده است؟

این نقد حتما به وزیران وارد است. بر اثر فضای خاصی که یک جریان سیاسی مخرب در کشور ایجاد کرده، ایران از به‌کارگیری بخش درخور توجهی از نیروهای شاخص و توانای اجرائی خود به‌ویژه در مدیریت‌های رقیب محروم شده است. امروز وقتی یک رئیس دانشگاه قرار است انتخاب شود، با وجود اینکه شخصیت‌های متعدد محبوب و دارای صبغه اجرایی در آن دانشگاه حاضر هستند، اما متاسفانه انتخاب به تعدادی انگشت‌شمار محدود می‌شود. در سایر موارد به‌ویژه در دولت که به‌شدت زیر ضرب مخالفان قرار دارد نیز وضعیت به همین صورت است. بااین‌حال، این مدیران و استادان باسابقه و دارای اطلاعات اجرائی و نبوغ و خلاقیت‌های مدیریتی، فعلا با تواضع و کرامت، از کسانی که می‌توانند در مسئولیت‌های مختلف فعالیت کنند، حمایت می‌کنند.

مشکل اینجاست ناکهان امر بر افرادی که فعلا فضا برای آنان مهیاست، مشتبه می‌شود که مادر روزگار بهتر از آنان نزائیده است. این مسئله آثار سیاسی خود را به بار آورده و شاهزاده‌های دراین‌میان بدید می‌آیند که فکر می‌کنند توانایی ویژه‌ای دارند. دولت روحانی با هر دولت توسعه‌گرایی که دارای رویه‌های اصلاح‌طلبی است، حتما در فضای مناسبتر، فعالیت‌های گسترده‌تری می‌تواند انجام دهد. اما درحال‌حاضر باید اذعان کرد نمی‌توان از نیروهای شاخص، توانمند و محبوب در دولت یا سایر انتخابات‌ها مانند مجلس استفاده کرد. این مسئله درباره برخی وزیران نیز صادق است. به‌هرحال، چهره‌هایی که امیده می‌دهند و اهل دفاع و قدرت استدلال هستند، نمی‌توانند برای پست‌های وزارتی معرفی شوند.

■ با نظر شما، سن بالا تا بازنشاز وزارت در وزارتخانه‌ای به افراد بسال‌ها قبل وزیر آن بوده‌اند، این فضا را ایجاد کرده است؟

سن بالا ممکن است برخی وزیران را محافظه‌کارتر کرده باشد، اما فراموش نکنیم همین‌حالا خود رئیس‌جمهور و بزرگان دیگر و فعالان سیاسی باسابقه در همین بازه سنی قرار دارند. اما فعال و جدی در مواجهه با منتقدان به دفاع از رویکردهای مدنظر خود می‌پردازند. به نظرم نوع و حجم تخریب‌ها را نباید از نظر دور داشت. درعین‌حال، قبل هم گفته‌ام ما با معضلی در برخی دیگر از وزارتخانه‌ها مواجه هستیم؛ اینکه وزیر باید مسئولیت‌پذیر باشد نه اینکه خود را کارشناس بداند. اگر این چنین باشد، اجازه طرح نظرات را نمی‌دهد و معتقد است دغدغه‌ای وزیر در حوزه کارشناسی‌ترین نصمیمات را خودش باید بگیرد. فانی، کارشناس خوبه آموزش‌وپرورش بود؛ اما وزیر نباید کارشناسی کند. بلکه باید اجازه دهد ایده‌های کارشناسی مطرح شود و تصمیم آخر را بگیرد. در وزارتخانه‌ها، شوراهایی هست که تصمیم‌سازی می‌کنند و تصمیم آخر را وزیر می‌گیرد. این مشکل در وزارت صنعت نیز هست؛ وزیر احساس می‌کند کارشناس باید اطلاعات این حوزه را به این مسئله ما را دچار مشکل می‌کند. در حوزه‌های دیگری که عمر وزیران طولانی‌تر است نیز این مشکل وجود دارد. به خوبه اجازه می‌دهیم وزارت نفت را هم مثال بزنم. هرچند زنگنه مدیر توانایی بوده است. اما مدیر باید تصمیم‌گیر باشد نه کارشناس. فکر می‌کنم در این دولت در این زمینه مشکلاتی وجود دارد که اغلب دوستان در حوزه‌های خود احساس کارشناسی بیشتر دارند.

■ چقدر این مسئله به ضعف در اطلاع‌رسانی مجموعه دولت یازدهم برمی‌گردد که وزیران را محافظه‌کار کرده است؟

به نظر می‌رسد بیش از شخص وزیر، تیم اطلاع‌رسانی دولت باید مورد سؤال قرار گیرد. خبر و اطلاع‌رسانی در جهان امروز موضوعی کاملا حرفه‌ای است و هر دولتی نیازمند استفاده از نیروهایی است که ضمن وفاداری به دیدگاه‌های کلان و آرمان آن دولت، دارای نکاته حرفه‌ای به اطلاع‌رسانی و ارتباط با رسانه‌ها باشند. تیم رسانه‌ای دولت نیازمند ارتباط و تعامل صحیح با اصحاب رسانه‌است تا آنها انگیزه کافی را برای انعکاس اطلاعات شفاف از دولت داشته باشند. تأثیرگذاری تیم سیاسی دولت در مسئله فیش‌های حقوقی خود را بیشتر نشان داد؛ واقعیت چنین است که در این مسئله تیم رسانه‌ای دولت ضعیف عمل کرده و به‌همین‌دلیل این موضوع به جای غیرمنصفانه‌ای علیه دولت به کار گرفته شد.

حتما بخش روابط‌عمومی وزارتخانه‌ها، ادارات کل استانی، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها به‌زودی به‌بنده مرتبط با جامعه، نقش جدی در فعالیت‌ها دارند. جالب است که وزیران و رسانه‌ای انتقاد می‌کنند که پاراسان برخی خبرها، نیروهای آن رسانه در روابط‌عمومی آن دستگاه دولتی از زمان دولت قبل باقی مانده‌اند.

■ در دولت اصلاحات وزیران و اعضای دولت و معاونان و سخنگو، پای ساعی مواجهه با هر ۹ روز یک بحران بودند و اتفاقا از این جهت رئیس‌جمهور دوران اصلاحات با رفتن‌ی روی دوش خود احساس می‌کرد. رول آن زمان چه بود؟

به یاد داریم در دولت اصلاحات، صداوسیما سخنان رئیس‌جمهور وارکان دولت را به شکل کاملا کرنشی منعکس می‌کرد با اصلا این کار را انجام نمی‌داد و یا بایکوت خبری را در پیش می‌گرفت؛ بنابراین بلافاصله تیم اطلاع‌رسانی دولت به‌واسطه روزنامه‌نگاران توانایی که به‌عنوان همکار در ارکان دولت در اختیار داشت سخنان رئیس‌جمهور را منتشر کرده و قسمت‌هایی را که صداوسیما حذف کرده بود، مشخص می‌کردند که پس از اتخاذ این سیاست، صداوسیما نیز از پخش کرنشی سخنان رئیس‌جمهور اصلاحات پرهیز کرد. در آن مقطع ابزارهای اطلاع‌رسانی، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های موبایلی وجود خارجی نداشتند. امروز وقتی افکار عمومی زمانی که اشتباهی از یک جناح سر می‌زند، به دنبال این بررسی کند که سایر جناح‌ها نیز چنین خطایی انجام داده‌اند یا خیر، هیچ‌گاه مردم در این‌گونه مسائل به جناح‌ها اعتبار نمی‌دهند. بعد افکار عمومی نسبت به کلیت جناح‌های سیاسی منفی است؛ بنابراین وقتی چنین اتفاقی رخ دهد، طبقات متوسط جامعه صراحتا موضعی می‌گیرند که این‌گونه اطلاع‌رسانی‌ها موجب به نزاع‌های درون‌جناحی است، حاصلی برای مردم ندارد و مردم در این‌گونه افشاگری‌ها قضاوت منفی به کل نهادها پیدا می‌کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد در این موارد قاطعیت و اعلام شفاف اطلاعات مهم‌تر از سایر موارد است و دولت حتی می‌تواند از منتقد خود به دلیل این‌گونه افشاگری‌ها تشکر کند. سیاست‌مداران باید توجه داشته باشند. مخاطب اجتماعی از هر مسئله‌ای چگونه برداشتی دارد. یک خبر چه انعکاسی در افکار عمومی جامعه دارد و با درنظرنگرفتن این موارد، دولت در مقابل افکار عمومی دچار مشکل می‌شود.

■ به‌تازگی شاهد واکنش برخی وزیران به تخریب‌های صورت‌گرفته در صدا و سیما بوده‌ایم. درحالی‌که برخی وزیران از افرادی در مراکز اطلاع‌رسانی وزارتخانه متبوع خود استفاده کرده‌اند که کارمند رسمی صداوسیما هستند. این رفتار، متناقض نیست؟

جنس ابزارهایی در اختیار دولت است. نباید شاهد چنین وضعیتی باشیم. مسئله این بود که وزیران، معاونان و حتی بیشتر مدیران میانی دولت در دوران اصلاحات عمیقا به آرمان‌های رئیس‌جمهور و خواست مردم باور داشتند. وزیران هیچ نگاهی به صندلی‌های خود نداشتند و در مقابل مسائلی مانند هر ۹ روز یک بحران می‌ایستادند. شاید نتوان آن مقطع را با امروز قیاس کرد، زیرا برخی همراهان دولت آقای روحانی، آن نگاه را به دولت و آرمان‌های آن ندارند.

روحانی در کابینه، چند همراه در مقابل حملات سیاسی و رسانه‌ای دارد

وزیر مدافع

حامد طیبی

جهش اقتصادی کشور خواهد بود. باوجوداین، وضعیت اشتغال در کشور ملموس نیست و حتی برخی که از دولت اجرائی نبود می‌گویند که از نظر اشتغال در کشور کاری انجام نشده است. امروز هزینه درمان در روستاها به هفت تا ۱۰ درصد رسیده است؛ درحالی‌که در گذشته ۲۰ درصد هزینه‌های درمان را روستاییان متقبل می‌شدند. تا پایان سال جهیز خانواده دارای دو معلول به‌یک‌خانه باشند، نخواهیم داشت. در آینده نیز خانه‌دارکردن خانواده‌های معلول و سرپرست خانوار را دنبال می‌کنیم. باید برای افزایش قدرت خرید مردم کارهای اساسی و زیربنایی و یا برنامه انجام شود تا منجر به افزایش درآمد اقشار مختلف شود. افزایش حقوق‌ها، افزایش پرداختی مستمری‌بگیران را داشته‌ایم که این در حالی است که در گذشته شکاف ۶۷درصدی در این امر ایجاد شده بود. هزار میلیارد تومان اعتبار برای ازبین‌بردن شکاف حقوق‌بگیران ازجمله بازنشستگان و سایر گروه‌ها در نظر گرفته شده است. بنیه‌های اقتصادی را مقاوم کرده‌ایم و در دولت یازدهم اقدامات خوبی انجام داده‌ایم و آمارها نیز این امر را نشان می‌دهد. هم‌اکنون اقتصاد در کشور روبه‌رفتن و می‌چرخد؛ اما متأسفانه عده‌ای می‌گویند کاری انجام نشده است.

■ در روابط‌عمومی وزارتخانه‌ها و سخنگو، پای ساعی مواجهه با هر ۹ روز یک بحران بودند و اتفاقا از این جهت رئیس‌جمهور دوران اصلاحات با رفتن‌ی روی دوش خود احساس می‌کرد. رول آن زمان چه بود؟

دولت روحانی می‌تواند از یک تیم منسجم و کارشکسته متشکل از مشاوران رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی استفاده کند که کار رسانه را به شکل عملی انجام داده باشند. می‌دانیم نوع عملکرد افرادی که به حوزه روابط‌عمومی مشغول هستند نیز با حوزه رسانه فرق می‌کند؛ روابط‌عمومی‌ها بیشتر روی اطلاع‌رسانی رسمی متمرکز هستند. متأسفانه باید گفت نیروهایی که در گذشته در روابط‌عمومی‌ها فعالیت می‌کردند، خروجی موفق‌تری داشتند؛ بنابراین فعالیت رسانه‌ای دولت باید در نهاد ریاست‌جمهوری بازبینی شود و ریاست‌جمهور باید توجه کند که تیم فعلی رسانه‌ای ضعیف است و دولت به نیروهای توانمند و دانشاخته شده رسانه‌ای نیاز دارد که هم به روزنامه‌نگاری مسلط باشند و هم با شناخت افکار عمومی و نیازهای آن. استراتژی رسانه‌ای تدوین کنند و فقط نیروی واکنشی نباشند؛ این مسئله با نزدیک‌شدن به انتخابات، جدی‌تر هم خواهد شد.

زاویه

کشت تریاک و پاک‌شدن صورت مسئله

نعمت احمدی . حقوق‌دان

تا قبل از پیروزی انقلاب برابر برنامه وزارت بهداشت به افراد معتاد، تریاک سیمه‌ای یا کوینی تحویل داده می‌شد. افراد بالای ۶۰ سال که معتاد بودند، با مراجعه به بهداری محل اقامت خود با تشریفات خاصی برای آنان کوپن صادر می‌شد. ظاهرا ۸۰۰ هزار نفر (با احتیاط) دارای کوپن مصرف تریاک بودند. بعد از انقلاب آیت‌الله خلخالی اعلام کرد با طرح ضربتی در مدت کوتاهی، تمام مواد مخدر، اعتیاد و قاچاق را از بین خواهد برد. طرح ایشان با وجود سختگیری‌ها نتیجه داد و عملا ۸۰۰ هزار معتاد که تا مدتی قبل با برنامه مواد موردنیاز خود را از داروخانه‌ها تأمین می‌کردند، گرفتار قاچاقچیان شدند. از این تاریخ حرفه سوداگری به نام قاچاق وارد مشاغل سیاه و کاذب شد. هرچند حمل‌ونقل تریاک در رژیم سابق هم جزو پدر و مادر به حکایت پرونده‌های موجود در دادستری، درصد کمی از وقت و فرصت محاکم به موضوع قاچاق ربط پیدا می‌کرد. تأمین مواد معتادانی که تا دیروز دولت مواد آنها را تأمین می‌کرد، به حرفه سوداگری تبدیل شد که تا امروز ادامه داشته است و در ۳۸ سال گذشته دست‌اندرکاران این حرفه توانستند متناسب با برنامه دولت در مبارزه با مواد مخدر جایگاه خود را تعریف و بازگیری کنند. موضوع دوم برمی‌گردد به تأمین مواد مخدر همان تعداد معتادانی که مجوز مصرف تریاک را داشتند و سیمه‌به آنان به وسیله داروخانه‌ها تحویل داده می‌شد. کشت تریاک به عنوان محصولی سودآور از گذشته‌های دور در ایران متداول بوده است و حتی بعضا خاستگاه اولیه تریاک را فلات ایران می‌دانند. مصرف داروی تریاک از هزاره‌ها پیش از ظهور دستورات حکما و اطبا بوده است. معلوم نیست از چه تاریخی اعتیاد به مصرف تریاک متداول شد. اما از نظر تاریخی در دوره صفویه و زمان‌هایی که نسبت به مصرف مشروبات سخت‌گیری می‌شد، از اعتیاد مردم باید شده است. در تاریخ مصرف تریاک در صفویه نام فنولیا یاد می‌کنند که معجونی از تریاک، ماده اولیه آن را تشکیل می‌داده است. در شعر صائب تبریزی به دفعات از اعتیاد به فنولیا یاد شده است. طالب آملی از ایران به هند رفت و به مقام ملک‌الشعرایی دربار کورکانیان هند رسید اما به علت تمام‌شدن قرص فنولیایی که همراه خود برده بود، دچار بیماری شد و فوت کرد. تریاک به عنوان محصولی صادراتی در اکثر مناطق کشت می‌شد؛ نه تنها به آمار صادرات از دوره صفویه ملاحظه می‌شود که تریاک سهم بالایی در اقلام صادراتی این زمان داشته است. «کشت تریاک رایج و از محصولات عمده بود» به قول نصرت‌الدوله تریاک از جمله جایینتر بقایای دولت دا فیوین کازرون نیز معروف بود» (سیاست و اقتصاد عصر صفوی باستانی‌پاریزی چاپ دوم ص ۱۲۸) درهمین کشت گسترده تریاک برای صادرات که به هند و هلند و نیز دیگر مناطق صادر می‌شد، باعث اعتیاد گسترده کارمندان جزء شد. اگرچه از اقدامات مهم و اساسی شاه‌عباس تصفیه کارمندان تریاکی و منع استعمال تریاک در سال ۱۰۰۵ هجری قمری بوده: (سیاست و اقتصاد عصر صفوی) شرکت هلندی «واک» که عمده فعالیت تجاری از اصفهان به کرمان، بندرعباس، شیراز و بوشهر را به مقصد اروپا برعهده داشت و تا اوایل دوره قاجاریه در ایران شعبه و نمایندگی داشت، بعد از اربیتم و پنج و کرک، تریاک را جزء اقلام مهم صادراتی خود داشته است. رژیم سابقه به منظور تأمین تریاک، اجازه کشت آن را با ضوابطی خاص به کشاورزان می‌داد. به‌این‌ترتیب که اداره تعاون روستایی و وزارت کشاورزی با کمک‌فرض از زادآوری سطح مجبری از کشت را به روستاها اختصاص می‌دادند. در تأمین و پخش تریاک نظارت‌شده هم، کیلو شخشاش تولید شده را به‌ازای هر ۱۰ گرم در دو فصل کشاورزی می‌خرید. کشت پاییزه که تنها به یک بار آبیاری نیاز دارد و در بسیاری از سال‌ها احتیاجی به آبیاری نداشت. کشت دوم در اولیه بهار است و مدت کاشت و داشت و برداشت تریاک بیش از ۶ روز طول نمی‌کشد. ساعت برداشت هم صبح قبل از طلوع آفتاب است. زمان برداشت هم به کار افرادی کشاورزی لطمه‌ای نمی‌زند؛ بعدی در طول روز بیش از دو ساعت وقت کشاورز را نمی‌گیرد. ماموران ژاندارمری قاچاق ربط پیدا می‌کرد. تأمین مواد معتادانی که تا دیروز دولت مواد آنها را تأمین می‌کرد، به حرفه سوداگری تبدیل شد که تا امروز ادامه داشته است و در ۳۸ سال گذشته دست‌اندرکاران این حرفه توانستند متناسب با برنامه دولت در مبارزه با مواد مخدر جایگاه خود را تعریف و بازگیری کنند. موضوع دوم برمی‌گردد به تأمین مواد مخدر همان تعداد معتادانی که مجوز مصرف تریاک را داشتند و سیمه‌به آنان به وسیله داروخانه‌ها تحویل داده می‌شد. کشت تریاک و فوروش آن به منظور تأمین مواد مخدر مناسب و مورد نیاز معتادان بود و حتی بعضا خاستگاه اولیه تریاک را فلات ایران می‌دانند. مصرف داروی تریاک از به کشت تریاک روی آورده و امروزه بیش از شش هزار تن تریاک در افغانستان برداشت می‌شود. با وصف بالا می‌توان صورت مسئله را یک صفویه و زمان‌هایی که نسبت به مصرف مشروبات سخت‌گیری می‌شد، از اعتیاد مردم باید شده است. در تاریخ مصرف تریاک در صفویه نام فنولیا یاد می‌کنند که معجونی از تریاک، ماده اولیه آن را تشکیل می‌داده است. در شعر صائب تبریزی به دفعات از اعتیاد به فنولیا یاد شده است. طالب آملی از ایران به هند رفت و به مقام ملک‌الشعرایی دربار کورکانیان هند رسید اما به علت تمام‌شدن قرص فنولیایی که همراه خود برده بود، دچار بیماری شد و فوت کرد. تریاک به عنوان محصولی صادراتی در اکثر مناطق کشت می‌شد؛ نه تنها به آمار صادرات از دوره صفویه ملاحظه می‌شود که تریاک سهم بالایی در اقلام صادراتی این زمان داشته است. «کشت تریاک رایج و از محصولات عمده بود» به قول نصرت‌الدوله تریاک از جمله جایینتر بقایای دولت دا فیوین کازرون نیز معروف بود» (سیاست و اقتصاد عصر صفوی باستانی‌پاریزی چاپ دوم ص ۱۲۸) درهمین کشت گسترده تریاک برای صادرات که به هند و هلند و نیز دیگر مناطق صادر می‌شد، باعث اعتیاد گسترده کارمندان جزء شد. اگرچه از اقدامات مهم و اساسی شاه‌عباس تصفیه کارمندان تریاکی و منع استعمال تریاک در سال ۱۰۰۵ هجری قمری بوده: (سیاست و اقتصاد عصر صفوی) شرکت هلندی «واک» که عمده فعالیت تجاری از اصفهان به کرمان، بندرعباس، شیراز و بوشهر را به مقصد اروپا برعهده داشت و تا اوایل دوره قاجاریه در ایران شعبه و نمایندگی داشت، بعد از اربیتم و پنج و کرک، تریاک را جزء اقلام مهم صادراتی خود داشته است. رژیم سابقه به منظور تأمین تریاک، اجازه کشت آن را با ضوابطی خاص به کشاورزان می‌داد. به‌این‌ترتیب که اداره تعاون روستایی و وزارت کشاورزی با کمک‌فرض از زادآوری سطح مجبری از کشت را به روستاها اختصاص می‌دادند. در تأمین و پخش تریاک نظارت‌شده هم، کیلو شخشاش تولید شده را به‌ازای هر ۱۰ گرم در دو فصل کشاورزی می‌خرید. کشت پاییزه که تنها به یک بار آبیاری نیاز دارد و در بسیاری از سال‌ها احتیاجی به آبیاری نداشت. کشت دوم در اولیه بهار است و مدت کاشت و داشت و برداشت تریاک بیش از ۶ روز طول نمی‌کشد. ساعت برداشت هم صبح قبل از طلوع آفتاب است. زمان برداشت هم به کار افرادی کشاورزی لطمه‌ای نمی‌زند؛ بعدی در طول روز بیش از دو ساعت وقت کشاورز را نمی‌گیرد. ماموران ژاندارمری قاچاق ربط پیدا می‌کرد. تأمین مواد معتادانی که تا دیروز دولت مواد آنها را تأمین می‌کرد، به حرفه سوداگری تبدیل شد که تا امروز ادامه داشته است و در ۳۸ سال گذشته دست‌اندرکاران این حرفه توانستند متناسب با برنامه دولت در مبارزه با مواد مخدر جایگاه خود را تعریف و بازگیری کنند. موضوع دوم برمی‌گردد به تأمین مواد مخدر همان تعداد معتادانی که مجوز مصرف تریاک را داشتند و سیمه‌به آنان به وسیله داروخانه‌ها تحویل داده می‌شد. کشت تریاک و فوروش آن به منظور تأمین مواد مخدر مناسب و مورد نیاز معتادان بود و حتی بعضا خاستگاه اولیه تریاک را فلات ایران می‌دانند. مصرف داروی تریاک از به کشت تریاک روی آورده و امروزه بیش از شش هزار تن تریاک در افغانستان برداشت می‌شود. با وصف بالا می‌توان صورت مسئله را یک قرار که نمی‌توان حقوق مطلب را به فراموشی سپرد. مبارزه با مواد مخدر در نیروی انتظامی هزینه بالایی را بار کرده است. بیش از چهار هزار نفر از پرسنل این نهاد به شهادت رسیده‌اند و بیش از ۱۲ هزار نفر به درجه جانبازی در مصاف با قاچاقچیان نائل آمده‌اند. از آن طرف تعداد معتادان از کمتر از یک میلیون نفر در زمان رژیم سابق -که اتفاقا قانون‌شده بود- به چند میلیون نفر افزایش یافته است که در گزارش قبلی وزیر کشور به آن اشاره شد. در این سال‌ها تعداد زیادی افراد شده‌اند و هم‌اکنون پنج هزار حکم اعدام در نوبت استیذان ریاست محترم قوه قضائیه است. از جمعیت بالای زندانی در زندان‌های کشور بیش از ۶۰ درصد یا بیشتر آنان در ارتباط با مواد مخدر هستند. با تأسف آمار اعدام در ایران و همین مطلب ایران را در مرکز انتقادات حقوق‌بشری قرار داده است. اگر اعدام‌های مربوط به مواد مخدر را از جمع اعدام‌ها کسر کنیم، تعداد اعدامی‌های مربوط به قصاص هم کمی را نشان می‌دهد. پرسش این است: قانون فعلی و شیوه برخورد با مواد مخدر به چه کسانی است؟ قاچاقچیان بین‌المللی که در شیوه مبارزه امروزی دست مامور ان به آنها نمی‌رسد و کسانی بازداشت می‌شوند که از زور ناچاری به حمل‌کننده تریاک تبدیل شده‌اند که به امید اندک کشیدن در زندگی به بی‌رسید خود طعمه قاچاقچیان اعلمی می‌شوند و سر از زندان درمی‌آورند. آنها با بالای دار می‌روند و خانواده‌هایی را در هم می‌پاشند و... حال که طرح مجلس لایحه قانون‌گذاری مواد مخدر به قانون مبارزه با مواد مخدر به تصویب مجلس رسیده است و امید آن می‌رود که مورد تایید شورای نگهبان قرار گیرد و اعدام محدود و مشروط به شرایطی شود، آیا وقت آن نرسیده که راجع به ممنوعیت کشت تریاک که می‌تواند بسیاری از روستاهای رهاشده را دوباره آباد کند، زیر نظر دولت مجوز کشت به منظور تأمین ماده اصلی کارخانجات داروسازی داخلی و انعقاد قرارداد با شرکت‌های دارویی بین‌المللی برای صادرات را مطالعه کرد. یک فایده دیگر کرد، نمی‌دانم اصرار بر برنامه‌ای که شکست آن کاملا معلوم است چه نتیجه‌ای دارد.